

تغییر رویکرد ایران به گرجستان

سرویس بین الملل/خبرگزاری آران

ایران

نویسنده: رضا فیروزی، کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای

جمهوری اسلامی ایران نیز مانند بسیاری از کشورها پس از فروپاشی شوروی و اعلام استقلال جمهوری های آن از جمله گرجستان، حاکمیت و استقلال گرجستان را به رسمیت شناخت. این دو کشور اگر چه دارای ریشه های مشترک عمیق تاریخی و ظرفیت های بسیار بالایی برای گسترش همکاری بودند، اما وجود برخی عوامل همکاری های تفلیس و تهران را در سطح بسیار نازلی قرار داده، بطوری که با گذشت بیش از 19 سال از فروپاشی شوروی، سفارت جمهوری اسلامی در تفلیس به دلایل گوناگون، آنچنان فعال نیست. با توجه به شرایط به وجود آمده و خصوصا بهبود و گسترش روابط دو کشور روسیه و آمریکا و افزایش همکاری های گسترده ناتو و روسیه، چشم انداز روشنی را در مقابل دیدگاه این دو کشور قرار داده تا به بهبود و بازتعریف روابط دو جانبه پرداخته و بدین ترتیب فصل نوینی از مناسبات تهران و تفلیس را شروع کنند. سفر وزیر امور خارجه کشورمان به گرجستان و دیدار و گفتگو با مقامات گرجی، از جمله میخائیل ساکاش ویلی رئیس جمهور این کشور که قرار است روز 12 آبان ماه صورت گیرد، در همین راستا قابل تفسیر است.

ایران و ظهور قفقاز در عرصه جهانی

ظهور قفقاز به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک متمایز و مهم در عرصه سیاست جهانی، تاثیرات بسیاری بر محیط سیاسی و مناسبات منطقه ای و جهانی ایران به ارمغان آورده است. این تحولات برای ایران به عنوان یکی از همسایگان اتحاد جماهیر شوروی، بسیار با اهمیت بوده و موجب شکل گیری مرحله نوینی در سیاست منطقه ای ایران شد. در این مرحله، نه تنها ماهیت دولت های همسایه کشورمان دستخوش تغییر و تحول گردید و بر تعداد همسایگان شمالی آن افزوده شد، بلکه مفاهیم مربوط به بررسی روابط دو جانبه ایران با همسایگان شمالی نیز رنگ دیگری به خود گرفت. تا قبل از فروپاشی شوروی، روابط ایران با این کشور، عمدتا بر محور رابطه نامتقارن قابل توضیح و تحلیل بود. در این راستا قدرت ایران با این کشور به عنوان یک ابرقدرت برابری نداشت و این عدم برابری و حالت نامتقارن از نظر شاخص ها و مولفه های کلاسیک قدرت به نفع همسایه شمالی بود. اما فروپاشی شوروی به این رابطه نامتقارن، هم در عرصه تجزیه و تحلیل های تئوریک و هم از نظر رفتاری پایان بخشید و شرایط جدیدی در عرصه مناسبات منطقه ای، به ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز به وجود آورد.

اما متأسفانه تصمیمات سیاست خارجی به گونه ای بود که فرصت و زمینه اجرایی لازم برای بهره گیری از ظرفیتهای و امکانات این منطقه به درستی فراهم نشد، به طوری که هم اکنون با گذشت بیش از 19 سال از فروپاشی شوروی، جمهوری اسلامی ایران تنها سه سفارت در قفقاز دایر کرده که دو مرکز آن در باکو و ایروان فعال هستند و مرکز تفلیس به دلایل گوناگون، آنچنان فعال نیست. در اواخر دوره قاجار ایران در مازخ قلعه، ولادی قفقاز، گنجه، باتومی، باکو، ایروان و تفلیس دارای کنسولگری و حتی سفارت بود و ارتباطات فراوانی با اقوام، سیاستمداران و دولتمردان قفقازی داشت. اگر چه در آن دوران به علت قرابت زمانی با قرارداد ترکمنچای و گلستان، ارتباطات با قفقاز زیاد بود و ایرانیان رفت و آمد فراوانی به این منطقه داشتند. اما می توان گفت که در شرایط فعلی با توجه به ظرفیتهای و امکانات موجود و همچنین مقایسه با دیگر کشورها همانند ترکیه، ما فاصله زیادی برای نیل به شرایط موفق همکاری با این کشورها داریم. در این میان روابط ایران با این جمهوری ها نیز در یک سطح قرار ندارد. روابط ایران با دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سطح قابل قبولی قرار دارد، اما روابط با گرجستان علی رغم زمینه های گوناگون همکاری و پتانسیل ها و زمینه های مساعد، در سطح بسیار نازلی قرار دارد.

چرایی عدم گسترش روابط ایران و گرجستان

الف) رویکرد غرب محور گرجستان

از مهمترین عوامل عدم گسترش روابط ایران و گرجستان، رویکرد ها و اولویت های سیاست خارجی گرجستان است. در این راستا می توان گفت اولویت اول تفلیس در سیاست خارجی کشورش نزدیکی به غرب و همکاری و همگرایی با آن بلوک در تعاملات و تبدلات منطقه ای و بین المللی است. با توجه به اینکه گرجستان در تقسیم بندی قاره ای جهان، در نقشه جغرافیای سیاسی اروپا قرار گرفته، در درجه اول سعی می کند وارد ساختارهای اروپایی شده و خود را در چارچوب آن عرضه نماید. پارلمان و سازمان امنیت و همکاری اروپا دو ساختار و تشکیلی است که تاکنون گرجستان به عضویت آنها در آمده و تلاش می کند به عنوان یک عضو فعال در این دو ساختار عمل نماید.

البته این عضویت تنها نتیجه تلاش خود تفلیس نیست، بلکه از راهبرد های اصلی اروپا در توسعه و گسترش این قاره می باشد، با این حال تفلیس در تلاش است در این عرصه ها خودی نشان داده و پر تحرک ظاهر شود. تلاش گرجستان در ایجاد روابط گرم و صمیمی با آمریکا نیز در راستای سیاست تمایل به غرب قابل ارزیابی است و رهبران این کشور در تلاشند تا هم در حوزه های سیاسی-امنیتی و هم در عرصه های اقتصادی & فرهنگی روابط بسیار خوب و نزدیکی با واشنگتن داشته باشند. چنانچه در این زمینه ساکاش ویلی در نشست رهبران ناتو در آوریل 2007 با اشاره به سیاست کنونی گرجستان در تمایل به غرب می گوید: «از اقدام های تاریخی ما رویکرد به غرب است، این انتخاب نه تنها انتخاب ما، بلکه انتخاب اجداد ماست. تمدن های گرجستان و اروپا آن قدر به هم نزدیک است که به سختی می توان تشخیص داد، اروپا ریشه فرهنگی ماست یا بر عکس گرجستان، ریشه فرهنگی اروپا».

از دیگر عوامل گزینش رویکرد غرب محور از سوی این کشور، می توان به دغدغه های خاص جمهوری گرجستان برای تامین تمامیت ارضی و تسری حاکمیت ملی به تمام مناطق این کشور اشاره کرد که در تعیین جهت گیری سیاست خارجی گرجستان نقش بسزایی دارد. لازم به ذکر است که جمهوری گرجستان از همان ابتدای فروپاشی شوروی با معضل جدایی طلبی برخی مناطق خود مواجه بوده است. به طور مشخص جمهوری های آجاریا، اوستیای جنوبی و آبخازیا سودای استقلال و جدایی از گرجستان داشتند. از این رو بلافاصله پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، موضوع حفظ تمامیت ارضی و جلوگیری از تجزیه گرجستان به مسئله اصلی و محوری برای دولت مرکزی در این کشور تبدیل شد.

در این ارتباط حمایت های روسیه از جدایی طلبان تاثیر به سزایی در رویکرد غرب محور گرجستان ایفا کرد و این کشور را بر آن داشت تا دیدگاه های امنیتی خود را هر چه بیشتر بر مسئله گسترش روابط با آمریکا و ناتو و هم چنین پیمان هایی همچون ترابوزان و گوام متمرکز سازد. بدین ترتیب گرایش افراطی دولتمردان تفلیس به غرب، گسترش روابط با کشوری همانند ایران را در رده های پایینی از اولویت برای این کشور قرار داده و به طور حتم یکی از موانع عمده گسترش روابط این دو کشور به شمار می رود و همچنین اتخاذ این رویکرد، مطلوب جمهوری اسلامی نبوده و یکی از منابع نگرانی عمده برای کشورمان در سالهای اخیر محسوب شده است و حتی به اعتقاد تهران، جهت گیری غرب محور گرجستان، در راستای منافع کلان کشورهای منطقه نیز نیست.

ب) تعریف سیاست خارجی ایران در قفقاز بر محوریت روسیه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران را واداشت که سیاستی را با توجه به شرایط جدید در قفقاز تدوین کند. این سیاست حول چند محور شکل گرفت: حفظ امنیت کشور و تمامیت ارضی آن، توسعه دو یا چند جانبه روابط اقتصادی با کشورهای نوپا، تاکید بر اهمیت ژئوپلیتیک ایران از نظر ترانزیت کالا و انرژی برای کشورهای محصور در خشکی برای دستیابی به اهداف ایران، برقراری روابط فرهنگی و سیاسی با اقوام و ملل منطقه. علاوه بر این دولتمردان ایران تصمیم گرفتند که سیاست خود را در این زمینه با همکاری نزدیک با روسیه تنظیم کنند. این سیاست به طور همزمان، سیاست

نزدیکی به روسیه را دنبال می کرد که از ابتدای انقلاب اسلامی و بخصوص بعد از فروپاشی شوروی پی گیری می شد. در این زمینه با توجه به گسترش شکاف در میان روسیه و غرب و توسعه تهدیدات منطقه ای علیه دو کشور، روابط دو کشور روندی رو به گسترش بود و عدم توفیق غرب در جذب کامل اقتصادی و سیاسی روسیه و تقاضای قاطعانه رهبران روسیه برای ایفای نقش برتر جهانی با توجه به نوع روابط ایران و آمریکا، سبب شد دو کشور در مسیر نزدیکی فزاینده قرار گیرند.

در این راستا ایران از چند جهت خواهان بهبود رابطه با روسیه بود: مسکو از شرکای تجاری عمده تهران محسوب می شد و در زمینه تسلیحات، تکنولوژی و نیروی هسته ای، این کشور می توانست نیازهای ایران را تامین کند و علاقمندی این کشور به همکاری با ایران در این زمینه مزید بر علت بود. فروش راکتورهای هسته ای آب سبک به ایران و اتمام نیروگاه هسته ای بوشهر از جمله این همکاری ها بود. ایران و روسیه نگرانی های مشترکی همچون حضور ایالات متحده و ناتو در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز داشتند. بدین ترتیب ایران با توجه به این موارد و آگاه بودن به حساسیت روسیه به منطقه قفقاز، که این کشور از آن به عنوان حیات خلوت خود نام می برد و همچنین آگاهی به نقش و نفوذ فوق العاده روسیه در این منطقه، با در نظر گرفتن دیدگاه ها و منافع این کشور در قفقاز به ایجاد سیاست های خود پرداخت.

به عنوان مثال ایران در این منطقه از اتخاذ رویکرد ایدئولوژیک محور که طبعاً می توانست نارضایتی روسیه را در پی داشته باشد، اجتناب کرده و عمل گرایی را در سر لوجه سیاستهای خود قرار داد. یکی از مثال های استنادی این امر نگاه تهران به مسئله چین است. در طول دوره درگیری روسیه در چین از سال 1997 تا 2000، با اینکه کشورمان ریاست سازمان کنفرانس اسلامی را بر عهده داشت، حساسیت کمتری نسبت به بحران چین نشان داده و ترجیح داد که منافع مبارزان چینی را فدای روابط خویش با روسیه که تأمین کننده اصلی سلاح و تکنولوژی هسته ای ایران است، نماید. در این زمینه تقریباً قریب به اتفاق کارشناسان این امر متفق القولند که ایران در تنظیم و تدوین سیاست های خود در این منطقه محوریت روسیه را در نظر داشته و سیاست های خود را در راستا و هماهنگ با این کشور اتخاذ می کرد. هرمداس باوند از کارشناسان برجسته سیاست بین الملل بر این اعتقاد است که تهران در سال های اخیر همواره گرایش شدیدی در بسیاری از مناقشات همچون چین، کوزوو و همچنین گرجستان به سمت روسیه داشته است و سعی کرده در بحران های منطقه ای همواره طرف مسکو را بگیرد.

به عنوان مثال که اگر قرار بود تهران موضع مستقلی را در بحران منطقه ای گرجستان داشته باشد، بهتر بود که همچون دیگر کشورهای جهان در مقابل به رسمیت شناختن استقلال مناطق جدایی طلب اوستیای جنوبی و آبخازیا از سوی روسیه سکوت نمی کرد. اما آیا این امر برای گرجستان که از زمان استقلال، روسیه را به عنوان دشمن خود و همچنین عامل اصلی ناآرامی در مناطق جدایی طلب خود خطاب کرده، مطلوب خواهد بود؟ آیا با توجه به اینکه در سالهای اخیر، روابط کاملاً تنش زایی میان گرجستان و روسیه حکمفرما بوده و حتی این امر به درگیری اوت 2008 میان این دو کشور منجر شد، (که در پی آن با به رسمیت شناختن استقلال این دو جمهوری خودمختار آبخازیا و اوستیای جنوبی توسط روسیه و ساخت پایگاه های دائمی در خاک آنها، که منجر به قطع روابط تفلیس با مسکو گشت)، گسترش روابط ایران و روسیه می توانست منافع این کشور را در نظر داشته باشد؟ بنابراین این موضوع نیز یکی از مهمترین عواملی بوده که به عنوان مانع اصلی در بهبود و گسترش روابط این دو کشور عمل کرده است.

تغییر موقت در جهت گیری ایران در قفقاز و گرجستان

اساساً هر دولتی داده های سیاست خارجی خود را در جهت تنظیم می کند که در نهایت، خواسته ها و نیازهای امنیتی، استراتژیکی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی اش در کوتاه مدت یا بلند مدت تامین شود. البته نباید انتظار داشت که هدفهای ملی در طول زمان و در شرایط و مقتضیات گوناگون به صورت ایستا و ثابت باقی بمانند زیرا دهها عامل تغییر دهنده داخلی و خارجی وجود دارند که باعث دگرگونی در هدفهای سیاست خارجی می شوند. بدین ترتیب باید سلسله مراتبی را برای اهداف متنوع ملی در نظر گرفت. در این راستا در بعضی از مواقع ممکن است امنیت ملی، مسائل تکنولوژی، توسعه اقتصادی و رفاهی و یا مسائل ایدئولوژیک، اولویت های نخست هدف های سیاست خارجی تلقی شوند، در حالی که با دگرگون شدن پاره ای از شرایط لازم می آید که نوعی جابه جایی در اهداف ملی صورت گیرد.

در این راستا و در فرایند سیاستگذاری خارجی، باید نه تنها به مقتضیات و نیازهای داخلی، بلکه به واقعیتهای محیط بین الملل نیز توجه کرد. در این زمینه تحول در شکل و کارکرد اتحادها، دسترسی سایر دولتها به تکنولوژی پیشرفته نظامی، روی کار آمدن گروه نخبگان جدید، وقوع انقلاب در یک کشور همسایه، بر هم خوردن سیستم موازنه قوا و بالاخره تغییر جهت گیریها و استراتژیهای سایر دولتها، می تواند در جابه جایی اهداف ملی موثر باشند. در این ارتباط جابه جایی و تغییر درسیاست خارجی گرجستان و جمهوری اسلامی ایران می تواند نمونه ای از مورد اخیر (تغییر جهت گیری ها و استراتژی سایر دولت ها) در عوامل ذکر شده در جابجایی اهداف سیاست خارجی قلمداد شود. با توجه به تغییر در اولویت های اهداف سیاست خارجی روسیه و در نتیجه اتخاذ استراتژی جدید این کشور در مسائل سیاست خارجی به ویژه در ارتباط با ایالات متحده و پیمان ناتو، بر سلسله مراتب اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته و آن را مجبور به نادیده گرفتن یا تغییر اولویت های پیشین در قفقاز کرده است.

با عنایت به اینکه دولتگردانان ایران با توجه به جایگاه خود در نظام بین المللی و تهدیدهایی که از سوی منطقه و نظام بین الملل احساس می نمودند، سعی کردند منافع ملی و سیاست خارجی خود را به گونه ای تعریف نمایند که حتی المقدور کمترین تضاد را با روسیه در منطقه داشته باشند، تا با در نظر گرفتن دیدگاهها و منافع روسیه در قفقاز، سیاست های خود را با محوریت این کشور تنظیم و اجراء کند، اما با توجه به شرایط و مقتضیاتی که به وجود آمده که مشخصاً به رفتارهای روسیه در قبال ایران همانند موضوع گیری های اخیر مدویدیف و لاوروف در موافقت با اعمال تحریم های جدید علیه تهران و عدم فروش موشک های اس 300 و ... مربوط می شود، باعث دگرگونی در هدفهای سیاست خارجی کشورمان در قفقاز هر چند به صورت موقت شده که تماس های فعال و جدید ایران با دولت های قفقاز جنوبی از جمله گرجستان در این راستا تفسیر می شود. در این زمینه باید به سفر رامین مهرانپرست، سخنگوی وزارت امور خارجه به گرجستان و دیدار با نینو کالاندادزه، معاون وزیر امور خارجه گرجستان این کشور اشاره کرد که می تواند مقدمه ای بر گسترش و ایجاد فصلی نوین از روابط این دو کشور به شمار آید.

در این دیدار دو طرف در مورد راهکارهای گسترش روابط میان دو کشور بحث و تبادل نظر کردند. در این راستا دو طرف درباره لغو روایتی که یکی از راهکارهای گسترش روابط دوجانبه است به توافق رسیدند. موافقتنامه مربوطه در جریان سفر منوچهر متکی، وزیر امور خارجه ایران از به امضا خواهد رسید. در این ارتباط در گرجستان این عقیده وجود دارد که این موافقتنامه سبب خواهد شد که روابط دو کشور به سطح بالایی ارتقا یابد. دو طرف همچنین یادداشت تفاهم ایرانی و انداش؛ گرجی درباره همکاری در زمینه رسانه های گروهی را به امضا رساندند. میهمان پرست همچنین در طی این سفر چند مطلب مهم را نیز اعلام کرد. وی از جمله تأکید کرد که برقراری روابط نزدیک و دوستانه با گرجستان برای سیاست خارجی تهران اولویت دارد. وی بطور خاص تأکید کرد که کشور ایران از تمامیت ارضی گرجستان حمایت می کند و افزود در آینده نزدیک بین تهران و تفلیس نیز خط هوایی مستقیم برقرار خواهد شد و همچنین قرار است در شهر بندری باتومی سرکنسولگری ایران افتتاح شود. نماینده جمهوری اسلامی ایران همچنین بر احتمال سفر رسمی محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران به تفلیس تأکید کرد. این در حالی است که بنا به اطلاع از وزارت امور خارجه گرجستان، هنوز از رئیس جمهور ایران بطور رسمی دعوت به عمل نیامده است.

البته میخائیل ساکاشویلی، رئیس جمهور گرجستان در ملاقات با سفیر جدید ایران در تفلیس، از آقای محمود احمدی نژاد برای سفر به این کشور دعوت بعمل آورده است. اکنون سفر وزیر امور خارجه کشورمان می تواند با تأکید بر گسترش مناسبات با این کشور و ایجاد زمینه های بیشتری از فعالیت و همچنین امضای توافقنامه های که در سفر آقای مهرانپرست بر آنها تأکید شده، فصلی نوین را در روابط دو کشور به همراه داشته باشد. به نظر می رسد که با توجه به اینکه دولت گرجستان پس از تجربه تلخ اوت 2008 و حمله روسیه به این کشور و اقدام به شناسایی دو منطقه جدایی طلب آن و نومیذی از حمایت برخی قدرت های فرامنطقه ای در این ارتباط، و همچنین روابط در حال گسترش آمریکا و ناتو با روسیه در شرایط فعلی، رویکردی متعادل تر و منطبق بر منافع ملی خود را در تنظیم سطح روابط با کشورهای منطقه به ویژه جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته است. روند رو به گسترش روابط تهران و انداش؛ تفلیس و دیدارهای دیپلماتیک رو به رشد میان دو کشور با دیدار منوچهر متکی، وزیر امور خارجه ایران از تفلیس دنبال خواهد شد که در پی آن نیز شاهد سفر رسمی نیکلا گیلوری، نخست وزیر گرجستان به تهران برای برپایی یک کمیسیون اقتصادی دو جانبه سفر

خواهیم بود.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد به واسطه تغییراتی که در روابط روسیه و آمریکا به وجود آمده، سیاست خارجی گرجستان نیز دچار تغییراتی شده است، اما مقامات گرجستان در این مورد هم عقیده نیستند، به عنوان مثال نینو کلانداده معاون وزیر امور خارجه گرجستان با این نقطه نظر موافق نیست. وی در جریان برفینگی اظهار داشت که نزدیکی روابط با ایران به معنی تغییر در جهت گیری سیاست خارجی این کشور نیست. در این راستا او اعتقاد دارد که مقامات گرجستان با عنایت به منافع ملی کشور معتقدند که باید «همه راه‌ها را باز کرد». خانم کلانداده اعتقاد دارد که رژیم لغو روابط با ایران باعث تیرگی روابط گرجستان با ایالات متحده نخواهد شد. سوسو تسینتساده، رئیس آکادمی دیپلماتیک تفلیس در این زمینه اعتقاد دیگری دارد، به عقیده این کارشناس نزدیکی سریع روابط بین تهران و تفلیس، پاسخ مناسب مقامات گرجستان به «سهل انگاری غرب نسبت به منافع ملی گرجستان است. گرجستان نشان داد که تصمیمات مهم سیاست خارجی که با منافع ملی کشور ارتباط دارد، نه در واشنگتن و بروکسل، بلکه در تفلیس اتخاذ می‌شود.

نتیجه گیری

جابه جایی و تغییر در سیاست خارجی گرجستان و جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با هم، نشأت گرفته از تغییر در اولویت های اهداف سیاست خارجی روسیه و در نتیجه اتخاذ استراتژی جدید این کشور در مسائل سیاست خارجی به ویژه در ارتباط با ایالات متحده و پیمان ناتو است که این امر نشانه های گسترش روابط این دو کشور را به دنبال داشته است. هر چند این امر می تواند به عنوان تاکتیکی از سوی این کشورها نیز قلمداد شود، اما با توجه به توافقات انجام شده در سفر آقای مهمان پرست سخنگوی کشورمان به این کشور، که به آنها اشاره شد و قرار است در سفر آقای متکی به این کشور نهایی شود، می توان شاهد گسترش روابط تهران و تفلیس بود. بدین ترتیب ملاحظات جدید در عرصه منطقه ای و جهانی، این دو کشور را به گسترش روابط و همکاری ترغیب خواهد کرد و فصلی نوین از روابط این دو کشور را رقم خواهد زد.

منابع

1. واعظی محمود (1388)، "میانجی گری در آسیای مرکزی و قفقاز: تجربه جمهوری اسلامی ایران"، تهران: وزارت امور خارجه موسسه چاپ و انتشارات.
2. حامد کاظم زاده (پاییز 1388)، «ریشه ها و ابعاد قوم گرایی در قفقاز شمالی و مناقشات بالقوه بعد از درگیری روسیه و گرجستان»، مجموعه مقالات شانزدهمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: وزارت امور خارجه.
3. مهری خبری (بهار و تابستان 1387)، «گرجستان و اوکراین در رویای پیوستن به ناتو»، بولتن دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره 10.
4. مهدی امیری (پاییز 1388)، «محرکه ها و پیامدهای فرایند مناقشه روسیه و گرجستان»، مجموعه مقالات شانزدهمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، وزارت امور خارجه.
5. حامد کاظم زاده، همان، ص 111-112.
6. جهانگیر کرمی (پاییز 1388)، «ایران و بحران اوستیای جنوبی»، مجموعه مقالات شانزدهمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ص 57.
7. عبدالعلی قوام (1372)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: سمت، ص 108.
8. همان، ص 113.
9. «گرجستان ، روند نزدیکی روابط با ایران» 10 خرداد ماه 1389 روزنامه «ایزوستیای نو»، 26 می 2010، <http://www.iranembassy.ru/fa/?section=attitudes&page=article&view=article&id=393&PHPSESSID=ruk21h2gddi33i82ke64po3c36>
10. اشاره های ایرانی سفر هیلاری کلینتون به قفقاز جنوبی، 15 تیر 1389، <http://www.iras.ir/fa/pages/?cid=10730>
11. «گرجستان ، روند نزدیکی روابط با ایران»، همان.